

۱۴۴ محموله ضد کرونایی از ۲۱ کشور برای ایران

تلاش دولت، برداشتن نگاه امنیتی به سمن هاست

→ موضوع خشونت علیه دختران به کمیسیون های فرهنگی و حقوقی دولت ارجاع شده است
→ اولویت دولت در مقابله با اعتیاد، کودکان و زنان هستند



زخم مسکن

سخنران وزیر راه و شهرسازی در زمینه تسهیل فروش تراکم نگرانی‌هایی ایجاد کرده است
افزایش ۴۰ تا ۱۰۰ درصدی اجاره خانه در ۴ محله پایتخت
فروش طلا برای تأمین اجاره خانه

صفحه ۷

صفحه ۵

خبرگزاری ایرنا

محمد درویش، مدیرکل سابق
دفتر مشارکت های مردمی
سازمان حفاظت محیط زیست:

برای مدیریت تعارض منافع تصویب قانون کافی نیست

دفاع رئیس قوه قضائیه از آزادی بیان

خبرنگاران افشاکننده فساد در امانند

یادآوری اهمیت «عباس کیارستمی بودن»
در چهارمین سالمرگش

باد اورا با خود برد

لیگ برتر امروز

بعد از ۱۱۷ روز تعطیلی کلید می خورد

... و بالاخره فوتبال وطنی

یادداشت

عینک قوه قضائیه نسبت به مطبوعات عوض شود

به نظر می رسد با حضور ابراهیم رئیسی در رأس قوه قضائیه حداقل در حوزه بیان و نظر شاهد تغییراتی در این قوه هستیم که تأکید رئیس جدید قوه قضائیه بر حقوق

شهروندی می تواند امیدبخش باشد. رئیس قوه قضائیه پیش از این با صدور بخشنامه ای مجدد بر اجرای قانون جرم سیاسی تأکید کرده بود و حالا روی آزادی بیان و حمایت از افشاکنندگان فساد تأکید دارد که می تواند بانی جدید در این قوه باشد. الان باید به این مسأله توجه کنیم که مطبوعات کاغذی مادر شرایط اقتصادی بدی قرار دارند و رسانه های دیجیتال پیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته اند. در دوره ای هستیم که عصر جدیدی در رسانه ها به وجود آمده است. در این دوره دیگر حکومت هانمی توانند مانند گذشته اعمال قدرت کنند. بدین ترتیب، باید حمایت هایی فراتر از قانون از رسانه های رسمی صورت بگیرد و همان گونه که رئیس قوه قضائیه تأکید کردند، با تشویق روزنامه نگاران رسمی این رکن مهم رادر کشور تقویت کنیم. الان هر فردی می تواند بایک گوشی، خریدارنده و گزارشگر ویژه باشد و بی عنوان رسمی، بدون محدودیت فعالیت کند. اما یک روزنامه نگار رسمی نمی تواند چنین کاری کند. بنابراین با فشار بر روزنامه نگاران و رسانه های رسمی شما فضای برای رسانه های مستعار و غیر رسمی باز می گذارید. نگاهی که در دهه های ۷۰ و ۸۰ بود، باید عوض شود. باید نگاه به مطبوعات رسمی تغییر کند. در آن دوران گروهی در دادستانی تشکیل شده بود که کارشان تهیه بولتن از روزنامه های شکایت ها و مشکافانه روی تک تک کلمات بود و همین امر باعث کنار رفتن روزنامه های رسمی و مشهور شد. اگر بخواهیم دوباره آن دوران را تکرار کنیم شاهد به وجود آمدن رسانه هایی چون آندنیوز خواهیم بود که همه خطرات آن را مشاهده کردیم. بنابراین باید با توجه به صحبت های رئیس قوه قضائیه سعی شود نگاه قضائی به روزنامه نگاران و مطبوعات رسمی کشور تغییر یابد تا شاهد بروز و ظهور رسانه های غیر رسمی و خطرناک نشویم.



نعمت احمدی
حقوقدان

یادداشت

پیشگیری از تعارض منافع نشانه حکمرانی خوب

برای تعارض های نهادی هم می توان مثال های زیادی زد. برای مثال در حوزه تقنینی اگر قانون به شوراها اختیارات ویژه بدهد و نهاد شورا موفقیت چشمگیری پیدا کند، در انتخابات بعدی ممکن است اعضای شورای شهر هوس نمایندگی مجلس کنند به همین دلیل شاهدیم روز به روز اختیارات شوراها کاسته می شود. زیرا در توافقی ناتواسته این تعارض منافع است که موجب این اتفاق می شود. یا مثلاً در بحث قضائی قوانین آیین دادرسی کیفری و قانون آیین دادرسی مدنی تأکید کرده اند که قاضی یک پرونده نباید پیش از آن با یکی از طرفین دعوا، سابقه دعوا و اختلاف شخصی داشته باشد. یا مثلاً یکی از طرفین دعوا نباید از بستگان قاضی باشد. اما به طور کلی باید به تعارض منافع در سطح نهادی بیشتر توجه کنیم. تعارض منافع اصلی در تصمیم گیری های کلان سازمان ها است. برای مثال آیین نامه های معاملاتی، استخدامی و مالی را در سطح کلان سازمان ها باید کسانی بنویسند که خودشان در این حوزه صاحب منفعت نباشند. ظهور تعارض منافع در ابعاد مختلف موجب شده تا مسئولان کشور برای جلوگیری از آن لایحه ای تهیه کنند. شاید این سوال پیش بیاید که مگر قوانین فعلی کافی نیست؟ هر چند در کشور ما قوانین مختلفی وجود دارد که به موضوع تعارض منافع هم توجه کرده است اما متأسفانه در بسیاری از قوانین مشکلاتی داریم که موجب تلاقی و تعارض منافع می شود.



علی دشتی
حقوقدان

اگر قرار باشد مفهوم تعارض منافع را به صورت ساده و خلاصه تبیین کنیم باید گفت؛ تعارض منافع یعنی موقعیتی که باعث می شود یک سری افراد یا نهادها به منافع برسند که حق شان نیست. این منافع در واقع به واسطه ارتباطات و رانت هایی به دست آمده است که افراد و نهادها امکان استفاده از آنها را در اختیار داشته اند. از همین رو می توان به صراحت گفت که پیشگیری از تعارض منافع یکی از پایه های اصلی حکمرانی خوب در کشورها است. در همه ابعاد حکمرانی اعم از نهادهای قانون گذاری، دستگاه های اجرایی و نهاد قضاوت امکان و احتمال تعارض منافع وجود دارد. می توان تعارض منافع را در دو سطح فهم کرد. یکی تعارض منافع که منجر به نفع شخصی افراد در سازمان ها می شود و دیگری تعارض منافع نهادی، یعنی موقعیتی که یک نهاد با تصمیماتش موجب می شود نهاد دیگر نتواند فعالیت هایش را بهبود دهد و به رقیب نهاد اول بدل شود. در مورد اول یکی از مثال های بارز دخالت افراد صاحب قدرت در معاملات دولتی است. اینکه فردی هم در یک سازمان تصمیم گیر باشد و هم خودش به عنوان پیمانکار وارد معامله با آن سازمان شود؛ مصداق بارز و روشن تعارض منافع است.

ادامه در صفحه ۱۵